



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشگاه علوم انسانی
عکاسی

- صورتی از تار گیسو / کاتیا سلماسی
- چهره نگاری های قومی در تبعید / پریسا دمندان

پرتوهای بسیاری از ناصرالدین شاه قاجار به یادگار مانده است، تصاویری که حاصل کار عکاسان متفاوتی در طی سالیان متمادی است از ژول ریشار (Jules Richard) و آقا رضا عکاسباشی تا نادار (Nadar) عکاس نامدار فرانسوی و در کنار آنها مجموعه پرتوهای که بدست خود ناصرالدین شاه ثبت شده است (Self - Portraits)، تصاویری که در حالات گوناگون برداشته شده از پزهای عادی و خودمانی با لباس و کلاه فرنگی گرفته تا پزهائی که با دقت فراوان و در لباس رسمی از شاه پرداخته شده است. تنوع و تعدد این عکس‌ها که در واقع نخستین مجموعه عکس از یک پادشاه ایرانی است بیانگر علاقه وافر ناصرالدین شاه به عکس و عکاسی است. نکته دیگری که گواه این مدعاست اینست که ناصرالدین شاه در سفرهایش، چه در داخل و چه به خارج از کشور همواره عکاس، وسایل عکاسی و تاریکخانه سیار با خود همراه می‌برده است، علاوه بر منابع متداول، اسناد و مدارک مرتبط با سفرهای خارجی او حاکی از این علاقه مفرط است.^۱

۱. در صورت اشیائی که ناصرالدین شاه از سفر فرنگ با خود به همراه آورده بود و فهرست آن در بخش ضمیمه روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان جلد اول نیز آورده شده است موارد بسیاری به عکس‌های همایونی، آلبوم‌های عکس، عکس‌های متفرقه و قاب عکس اختصاص دارد.

در طی سفرهای خارجی ناصرالدین شاه، عکاسان مطرح و ماهر فرنگی بارها از شاه ایران عکاسی کرده‌اند. در سفرنامه‌های ناصرالدین شاه به فرنگ مطالبی در این باره آمده است از آن جمله در نقل خاطرات سفر اول فرنگ در سال ۱۲۹۰ هجری قمری، در دوره اقامت در روسیه می‌نویسد:

«روز غره (اول) شهر ربیع‌الثانی [۱۲۹۰]:

... بعد سوار کالسکه شده رفتم عکاسخانه دم در پیاده شده رفتم بالا اسم عکاس لویتسکی^۱ است و مرد فربه قطور بامزه‌ای بود اسباب و آلات معتبری داشت زبان فرانسه خوب حرف می‌زد چند شیشه^۲ عکس ما را انداخت بسیار خوب شد بعد از اتمام عکس‌ها به منزل برگشته...»^۳

در انگلستان نیز به درخواست ملکه ویکتوریا عکاس مخصوص دربار از ناصرالدین شاه عکس برداشته است:

«روز چهارشنبه ششم [جمادی الاولی ۱۲۹۰]:

... پادشاه خواهش کردند که عکاس مخصوص ایشان توی کالسکه عکس ما را بیندازد عکاس چند شیشه عکس ما را انداخت...»^۳

و در یادداشت‌های دوره اقامت در پاریس در همان سفر آورده:

«... نادر که عکاس قابل پاریس است بحضور آمده عکس ما را انداخت سابقاً با

بالون زیاد به هوا رفته است اما حالا از این خیال افتاده مشغول عکاسی است...»^۴

در توضیح مطلب خاطر نشان می‌سازد که گاسپار فلیکس تورناشون (۱۸۲۰ - ۱۹۱۰) (Gaspard Felix Tournachon) فرانسوی معروف به نادر که در نویسندگی و زمینه‌های مختلف هنری دستی داشت در دهه ۱۸۵۰ میلادی به عکاسی روی آورد. وی که از عکاسان تاثیرگذار در تاریخ عکاسی جهان به شمار می‌آید به واسطه عکسهای تک چهره‌اش که در اندازه‌های کوچک چاپ می‌کرد و به کارت ویزیت (Cartes - de - visite) معروف بودند، مشهور است. پرتوهای وی که عاری از هرگونه تصنع، بصورت نیم تنه و در زمینه‌ای کاملاً ساده عکاسی شده‌اند از سنت محونمائی عکاسی متداول در آن دوران کاملاً به دور هستند. نادر از نخستین کسانی بود که در ثبت عکس‌هایش از نورپردازی‌های هدایت شده بهره گرفته است.

۱. Levitski

۲. سفرنامه ناصرالدین شاه، چاپ رشیدی، بی‌جا، بی‌تا، صص ۴۰ - ۳۹.

۳. همان، ص ۱۲۱. ۴. سفرنامه ناصرالدین شاه، ص ۱۴۲.

نادار از نویسندگان بزرگی چون بودلر (Baudelaire)، ویکتور هوگو (Victor Hugo) ژرژ ساند (George Sand) و آهنگسازانی چون لیست (Liszt)، واگنر (Wagner)، برلیوز (Berlioz) و نقاشانی مانند گوستاو کوربه (Gustave Courbet) و مانه (Manet) که با نادار دوستی داشتند تک چهره‌هائی گرفته است. نادار در سال ۱۸۵۸ نخستین عکس هوائی را از داخل بالون گرفت و دریچه تازه‌ای را به روی مردم جهان گشود. وی در سال ۱۸۸۰ میلادی مدیریت عکاسخانه خود را به پسر خود پل نادار (Paul Nadar) سپرد و از آن پس پدر و پسر به کارهای پژوهشی و ترویج عکاسی پرداختند.

ناصرالدین شاه در ضمن یادداشت‌های سفر سوم فرنگستان در سال ۱۳۰۶ هجری قمری نیز از پز دادن عکاسان فرنگی به مدل‌هایشان چنین یاد کرده است:

«روز شنبه هفتم ذی‌قعدة [۱۳۰۶]

... بعد گیر عکاس‌ها افتادیم، عکاس انگلیسی اول عکس انداخت، بعد یک عکاس پلنی (لهستانی) بود، او آمد توی اطاق ما را به زور قسَم بیرون برد، بسیار آدم فضول پرحرفی بود، سر ما را این طرف و آن طرف می‌کرد، هی می‌گفت حالا خوب شد، حالا خوب، هی حرف می‌زد ما را به تنگ آورده بود، تا عکس انداخت فارغ شدم...»^۱

در طی همان سفر در پاریس نیز مجدداً با عکاسان مواجه شده است و در این باره می‌نویسد:

«روز چهارشنبه نهم ذیحجه [۱۳۰۶]

... از آن جمله دو سه نفر عکاس اسبابهای عکس خودشان را آورده بودند توی باغ کوچک جلو اطاق پشت گوش ما روی هم چیده بودند، یکی از آنها پسر نادار عکاس بود، می‌گفت پدر نادار به همان قوه و بنیه باقی است، در منزل است...»^۲

جالب اینکه ناصرالدین شاه پس از فاصله زمانی در حدود شانزده سال نادار را که قبلاً در پاریس از وی عکس گرفته بود، کاملاً به خاطر داشته است.

از میان مجموعه عکس‌های ناصرالدین شاه، پرتوهای رسمی وی در لباس رسمی و پزدهی دقیق به رسم عکاسی آن دوران، زینت بخش کاخ‌های سلطنتی و منازل رجال و نزدیکان وی بود

۱. روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان، به کوشش دکتر محمداسماعیل رضوانی و

فاطمه قاضیها، انتشارات سازمان اسناد ملی، تهران، ۱۳۷۸، ج ۳، جلد ۲، ص ۵۹.

۲. همان، صص ۲۴ - ۲۲۳



● تصویر سوزن دوزی شده از چهره ناصرالدین شاه که توسط ملکه انگلستان به وی هدیه شد.

و به تقلید از تشریفات اروپائی اعطاء این عکس‌ها به رجال داخلی و خارجی جزو امتیازات بشمار می‌آمد. این پرتو‌ها کاربردهای دیگری هم مانند چاپ بر روی سربرگ سلطنتی، تزئین جعبه قلمدان، تزئین ظروف، چاپ اسکناس، تمبر، سر سکه و... نیز می‌یافت.

از جمله این موارد، نمونه‌ای است نادر که چند سال قبل با آن روبرو شدم. مطیع امر یکی از دوستان که اظهار فرمودند علاقمندند عکسی از اثری منحصر بفرد که مالک آن عازم سفر خارج است در دسترس داشته باشد به اتفاق به منزل آن شخص رفتیم. در آنجا با تصویری یگانه و ممتاز از ناصرالدین شاه مواجه شدم که بدستور ملکه و یکتوریا با تارگیسو از روی عکس سوزن‌دوزی شده و ملکه انگلیس آن را به ناصرالدین شاه هدیه نموده بود. پس عکسبرداری از این اثر ارزشمند از درون قاب شیشه‌دار موافقت شد نسخه‌ای از عکس را نزد خود داشته باشم. ویژگی این تصویر و ارتباط کلی آن با عکاسی و ماجرای پدید آمدن آن مرا بر آن داشت تا در پی بدست آوردن اطلاعات بیشتری درباره آن باشم، از آنجا که گفته شد که ناصرالدین شاه این پرده را به دختر خود، خانم عصمت‌الدوله - همسر دوستان محمدخان معیرالممالک - بخشیده بوده در صدد برآمدن تا از اشخاص مطلع از خانواده معیرالممالک پرس و جوئی در این مورد داشته باشم.

۲۲۲

خوشبختانه آن هنگام مقارن با زمانی بود که برای بدست آوردن اطلاعات، مدارک و اسناد تصویری مرتبط با پژوهشنامه دانشگاهی خود درباره هنر عکاسی دوستان محمدخان معیرالممالک و نگاه خاص وی به عکاسی با خانواده معیرالممالک و منسوبان ایشان که تنها مرجع و منبع شفاهی برای کسب و تکمیل اطلاعات مورد نظر در این زمینه بودند در تماس بودم، فرصتی فراهم آمد تا در مورد این تصویر نیز کسب اطلاع کنم و بعدها این اطلاعات و روایات خانوادگی، را با اسناد و مدارک موجود تاریخی تطبیق دهم.

طبق روایات خانوادگی، ملکه و یکتوریا که به دلایل سیاسی یا شخصی به ناصرالدین شاه توجه خاص ابراز می‌نمود دستور داده بود این تصویر از تارگیسو در چند پرده رنگ همگون نقش‌پردازی و سوزن‌دوزی گردد تا به عنوان هدیه‌ای استثنائی و متفاوت به پادشاه ایران تقدیم شود، عمه ملکه و یکتوریا که بر طبق سنت اشرافی آن دوران در سوزن‌دوزی مهارتی بسزا داشت نظارت بر اجرای این کار را بر عهده داشت. لازم به ذکر است که در عصر و یکتوریا برودری دوزی (embroider) از هنرهای شاخص و فاخر زنانه بود و مهارت در آن از وجوه امتیاز بانوان در طبقه اشراف بشمار می‌آمد و بطور حتم همین نکته یکی از دلایل انتخاب این نوع هدیه برای ناصرالدین شاه بوده است.

ملکه و یکتوریا بطور کلی توجهی خاص نسبت به ناصرالدین شاه ابراز می‌نمود و

شاخص‌ترین وجه آن اهداء نشان گارتر (Garter) به ناصرالدین شاه بود. اعطاء این نشان، که به عنوان عالیترین نشان بریتانیا برای اعطاء به شاهزادگان و پادشاهان بزرگ در مناسبت‌های بسیار مهم اختصاص داشت، به ناصرالدین شاه باعث ایجاد بحران شدیدی بین دولت و دربار انگلیس شد.^۱

در مورد نحوه انتقال پرده سوزن‌دوزی صورت ناصرالدین شاه به خانم عصمت‌الدوله گفته شد هنگامی که خانم عصمت‌الدوله همسر دوستمحمدخان معیرالممالک سرتسبیح زمرد نادر شاه افشار را از گنجینه جواهرات خانوادگی معیرالممالک برای پدر فرستاد، ناصرالدین شاه علاوه بر جبران ارزش مادی آن، بنابر اظهار علاقه عصمت‌الدوله تصویر سوزن‌دوزی شده اهدائی ملکه ویکتوریا را هم به دختر خود ارزانی داشت. این پرده سوزن‌دوزی نیز مانند بسیاری از آثار ارزشمند هنری که به خانواده معیرالممالک تعلق داشت پس از دوستمحمدخان و تغییر اوضاع و احوال دست بدست شد.

یادداشت‌های اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطرات بخشی از این روایت خانوادگی را تائید می‌نماید و دلالت بر صحت آن دارد:

«ناظم خلوت زمردی آورد. از عصمت‌الدوله دختر شاه زن معیر بود می‌فروخت. روی زمرد به خط نسخ نوشته شده بود این سنگ سرتسبیح شاهنشاه صاحبقران نادرشاه بود که با این تسبیح استخاره کرد که هندوستان برود یا نه خوب آمد و رفت و فتح کرد. زمرد را شاه هفتصد تومان خرید.»^۲

سرتسبیح زمرد نادرشاه که اکنون در گنجینه جواهرات ملی ایران در موزه بانک مرکزی نگهداری می‌شود از جمله جواهرات مشهور و تاریخی است که طبق عکس و مشخصات گوهرشناسی آن در کتاب «جواهرات سلطنتی ایران» تألیف شش‌نیگهام، زمردی است دامله (دارای سطح برجسته) به وزن ۳۰۳ قیراط و در اندازه $۲۳/۳ \times ۳۹ \times ۴۸$ میلیمتر که بر روی آن این عبارت حکاکی شده است:

۱. دکتر جواد شیخ‌الاسلامی در همین زمینه مقاله‌ای در مجله آینده شماره‌های فوروردین - خرداد ۱۳۵۹ تحت عنوان «اعطای نشان زانوبند» به رشته تحریر در آورده‌اند که در آن با بررسی منابع و اسناد انگلیسی مطرح می‌نمایند که اعطاء این نشان بحران شدیدی بین دولت و دربار انگلستان بوجود آورد و مسائلی مطرح گردید که مؤید توجه استثنائی ملکه ویکتوریا به ناصرالدین شاه بود.

۲. اعتمادالسلطنه، محمدحسن : روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افشار، امیرکبیر،



● کپی عکسی که از روی از گراور عکس ناصرالدین شاه قاجار تهیه شده است
 «جهت تسبیح شاه شاهان نادر صاحبقران بر تسخیر هند از جواهرخانه
 انتخاب شد. ۱۱۵۲»^{۲۱}

مورد شایان توجه دیگری که در تهیه آن از پرتوهای رسمی ناصرالدین شاه استفاده شده
 گراوری است که از روی یکی از عکسهای ناصرالدین شاه بر روی چوب حکاکی شده است، این
 گراور به دست توانای هنرمندی اروپائی برای چاپ بر روی جلد یک مجله ساخته شده بود.
 نکته‌ای که در این نمونه خاص توجه مرا به خود جلب کرد استفاده دو سویه از عکاسی در این

۱. تشینگهام: جواهرات سلطنتی ایران، عکس‌ها از لیتون وارن، ترجمه مهرداد نیلی، بانک مرکزی ایران، تهران، ۱۳۵۵، صص ۲ - ۷۱.
۲. اعتمادالسلطنه نوشته حکاکی شده روی زمرد را نقل به معنی نموده است.

مورد بود، ابتدا عکسی نیم تنه از ناصرالدین شاه برداشته شده - این تصویر هم در دسته‌بندی پرتوهای رسمی ناصرالدین شاه می‌گنجد - سپس به دست هنرمندی از روی آن عکس نمونه‌حکاکی شده‌ای ساخته شده و به طبع آراسته شده است. در آخر از روی نمونه چاپی بر روی مجله در عکاسخانه دوستمحمدخان معیرالممالک کپی عکسی از آن برداشته شده و به روی مقوای پشت بند عکس با نشان مخصوص عکاسخانه دوستمحمدخان چسبانیده شده است. تصویری از این کپی عکسی در دست است.

در رابطه با دیگر انواع استفاده تزئینی از پرتوهای ناصرالدین شاه قاجار یکی از بستگان نیز مطرح نمود که سالها قبل مدالیونی به بلندی تقریبی ده سانتیمتر از جنس عاج در اختیار داشته که روی آن تصویری بسیار ظریف و رنگی از صورت ناصرالدین شاه نقش بسته بود و دورن قاب زیبایی از طلای مشبک قرار داشت. متأسفانه ایشان تصویری از این مدالیون در دست نداشتند اما زیبایی و ظرافت کم نظیر این شئی ارزشمند را ستودنی می‌خواندند.

همینطور در فهرست اشیائی که ناصرالدین شاه از سفر سوم فرنگستان با خود به ایران آورده مشخصات تصویری از ناصرالدین شاه آمده که بر روی صدف نقاشی شده است.^۱

چاپ تصویر شاه بر روی اشیاء کاربردی که از زمان ناصرالدین شاه در ایران آغاز شد و کم‌کم به صورت یک سنت درآمد به اشیاء جنبه تزئینی می‌داد تا جائیکه در دوره مظفرالدین شاه با رواج برق و استفاده از چراغ برق در ایران تصویر مظفرالدین شاه بر روی لامپ‌های الکتریسته نیز چاپ می‌شده است.

شعبه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان: به کوشش دکتر محمداسماعیل رضوانی -

فاطمه قاضیها، انتشارات سازمان اسناد ملی، تهران، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۱۹.